

تأثیر برنامه آموزش علاقه اجتماعی (مادر-کودک) بر ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی  
کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای

The effectiveness of social interest fostering program (mother-child) on psychological  
basic needs satisfaction in students with Oppositional Defiant Disorder

Mahmood Khabbaz

Hamid Alizadeh

Ali Delavar

Soghra Ebrahimi Ghavam

Reza Rostami

Zahra Behjati

محمود خباز\*

حمید علیزاده\*\*

علی دلاور\*\*

صغری ابراهیمی قوام\*\*

رضا رستمی\*\*\*

زهرا بهجتی\*\*\*\*

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر برنامه آموزشی علاقه اجتماعی بر ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی دانش‌آموزان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای انجام گرفته است. این پژوهش از نوع آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه گواه است. جامعه آماری این پژوهش مشتمل بر دانش‌آموزان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای مراجعه کننده به کلینیک‌های روانشناختی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ می‌باشند. برای انتخاب آزمودنی‌ها ابتدا از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و سپس جایگزینی تصادفی استفاده شد. ابتدا از میان مراکز روان‌شناختی سطح شهر تهران دو مرکز آتیه و تلاش به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس از میان دانش‌آموزان ۹ تا ۱۲ سال ارجاع شده به این مراکز، ۳۴ نفر از افرادی که در مصاحبه تشخیصی و نیز آزمون CBCL دارای اختلال نافرمانی مقابله‌ای تشخیص داده شدند، به همراه مادران آنها در دو گروه ۱۷ نفره به صورت تصادفی جایگزین شدند. کودکان و والدین گروه آزمایشی به‌صورت مجزا هر کدام طی ۱۰ جلسه هفتگی دو ساعته تحت آموزش علاقه اجتماعی قرار گرفتند. گروه گواه هیچ‌گونه آموزش درمانی ویژه‌ای دریافت نکرد. ابزارهای گردآوری داده‌ها، مقیاس علاقه اجتماعی برای کودکان ایرانی و مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی بود. نتایج تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس نشان داد، اجرای برنامه آموزش علاقه اجتماعی منجر به ارتقای علاقه اجتماعی ( $p < .01$ ) و نیازهای بنیادین خودمختاری، شایستگی و ارتباط ( $p < .01$ ) شده است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد برنامه آموزش علاقه اجتماعی می‌تواند منجر به ارضای هر چه بهتر نیازهای بنیادین روانشناختی گردد. بنابراین، می‌توان از این برنامه جهت کمک به کودکان با اختلالات رفتاری و خانواده آنها بهره برد.

**واژه‌های کلیدی:** اختلال نافرمانی مقابله‌ای، روانشناسی فردی، علاقه اجتماعی، نیازهای بنیادین روانشناختی

Abstract

The purpose of this study was to evaluate the effect of social interest fostering program on psychological basic needs satisfaction in students with Oppositional Defiant Disorder (ODD). This experimental study had been done by pre-test and post-test method, with control group. The sample population included students with ODD who visited Tehran service clinics in the first half of the year 2015. The selection of cluster sampling was used and subjects were randomly replaced in experimental and control groups. At first, Among Tehran psychological service clinics, two centers (Atieh and Talash) were randomly selected, then among the students 9 to 12 years who in diagnostic interview and CBCL were diagnosed with ODD, Thirty four students with their parent were recruited and assigned for experimental and control groups randomly. Data was collected by Social Interest Scale for Iranian Children (SISIC) and Basic Needs Satisfaction Scale. Children and their mothers in Experimental group separately took part in ten 2-hour weekly sessions of social interest. The control group received usual care. Covariance analysis revealed that training social interest program could increase social interest ( $p < .01$ ) and psychological basic needs satisfaction (Autonomy ( $p < .01$ ), competency ( $p < .01$ ) and relation ( $p < .01$ )). Accordingly, The results show the social interest program could promote psychological basic needs satisfaction in students with Oppositional Defiant Disorder. Thus, we can use this program to help children with behavioral problems and their families.

**Keywords:** Individual Psychology, Social Interest, Psychological Basic Needs

email: mkhabbazm@gmail.com

\* دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی

\*\* عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

\*\* عضو هیات علمی دانشگاه تهران

\*\* دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس

Received: 24 Sep 2014 Accepted: 7 Aug 2015

دریافت: ۹۳/۷/۲ پذیرش: ۹۴/۵/۱۶

## مقدمه

اختلال‌های رفتاری ایدایی بیشترین فراوانی ارجاع به مراکز سلامت روان را در میان اختلال‌های دوران کودکی دارند (ون اسکات و همکاران، ۲۰۰۱). اختلال نافرمانی مقابله‌ای<sup>۱</sup> یکی از همین اختلال‌های رفتاری بالینی است که شیوع بالایی دارد (بویلان، ویلانکورت، بویل، زاتمری، ۲۰۰۷). کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای بر مبنای نسخه پنجم راهنمای تشخیصی- آماری اختلال‌های روانی، الگوی پایداری از خلق خشمگین- تحریک‌پذیر، بی‌اعتنایی- مقابله‌ای و انتقام‌جویی را نشان می‌دهند (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳ / ۱۳۹۲). بجز الگوی رفتارهای لجبازانه و پرخاشگرانه، یکی از ابعاد مهمی که همیشه با اختلال نافرمانی مقابله‌جویانه مزمن همراه است، اختلال در روابط بین‌فردی کودک است. این کودکان معمولاً دوستی ندارند و روابط انسانی را رضایت‌بخش نمی‌دانند. آنها علی‌رغم هوش کافی به دلیل عدم مشارکت، مقاومت در برابر انتظارات خارجی و اصرار بر حل مشکلات بدون کمک دیگران در مدرسه پیشرفتی ندارند و ممکن است رد شوند (سادوک و سادوک، ۲۰۰۷/۱۳۸۷). اختلال نافرمانی مقابله‌ای نه تنها به عنوان یک پیش‌بینی‌کننده اختلال سلوک و رفتارهای ضداجتماعی عمل می‌کند، بلکه اختلال‌های خلقی و اضطرابی را نیز پیش‌بینی می‌کند (بویلان و همکاران، ۲۰۰۷، ناک، کازدین، هیبری و کسلر، ۲۰۰۷). تاکنون نظریه‌های بسیاری به بررسی سبب‌شناسی و درمان اختلال نافرمانی مقابله‌ای پرداخته‌اند. یکی از این نظریه‌ها، نظریه خودتعیین‌گری<sup>۲</sup> است که علت پرخاشگری و رفتارهای مقابله‌ای افراد را عدم ارضای نیازهای روان‌شناختی می‌داند. مطابق با این نظریه انسان‌ها سه نیاز بنیادین روان‌شناختی دارند: خودمختاری، شایستگی و ارتباط (دسی و رایان a، ۲۰۰۰). نیاز به خودمختاری به معنای نیاز فرد به خودهدایتی، خودسازمان‌دهی تجارب و رفتارها و درگیر شدن با فعالیت‌های شخصی و همچنین نیاز فرد به حق انتخاب و خودآغازگری در انجام تکالیف است (لاگاردیا و پاتریک، ۲۰۰۸؛ نمیک و رایان، ۲۰۰۹). نیاز به شایستگی به معنی نیاز به تأثیرگذار بودن در تعامل‌ها و ارتباط با محیط است که بیانگر تمایل به استفاده از استعدادها و مهارت‌ها، دنبال کردن راه‌حل‌های بهینه و تسلط بر آنها می‌باشد (جانستون و فینی، ۲۰۱۰). در واقع نیاز به احساس شایستگی در باور فرد به توانمندی خود در مواجهه با مسئله‌ای خاص متبلور می‌شود (رایان و همکاران، ۲۰۰۸)، و نیاز به ارتباط به معنای احساس اطمینان از ارتباط با دیگران و تجربه خود به عنوان فردی شایسته و سزاوار عشق و احترام می‌باشد (لاگاردیا و پاتریک، ۲۰۰۸). افراد فعالیت‌های اعتراضی خود را تا زمانی که این نیازها ارضا شوند، نگه می‌دارند و زمانی که با عدم ارضای این نیازها مواجه شوند، مشکلات روان‌شناختی ظاهر می‌شوند. تحقیقات متعددی نشان می‌-

<sup>1</sup> Oppositional Defiant Disorder

<sup>2</sup> Self Determination

تأثیر برنامه آموزش علاقه اجتماعی (مادر-کودک) بر ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی کودکان با ...

دهد که عدم ارضای این نیازها نتایج ناسازگارانه‌ای همچون پرخاشگری، مقاومت، نزاع، اختلال‌های خوردن، فرسودگی، افسردگی، احساسات منفی و نشانه‌های بدنی را پیش‌بینی می‌کند (دسی و رایان، ۲۰۰۰؛ اسکینر و اج، ۲۰۰۲؛ بارتولومه و همکاران، ۲۰۱۱) و در مقابل ارضای این نیازها احساسات و هیجانات مثبت را پیش‌بینی می‌کند (کوستد و دودا، ۲۰۱۰؛ بارتولومه، انتومانیس، رایان دوگرسن-انتومانی، ۲۰۱۱).

ارضای نیازهای روانشناختی به کیفیت محیطی که فرد در آن تلاش می‌کند، وابسته است. نظریه خودتعیین‌گری ادعا می‌کند کارکرد بهینه انسان در کل و ارضای نیازها، به صورت خاص در یک چرخه اجتماعی حاصل می‌شود که هماهنگ با نیازهای فرد باشد (پاتریک، نی، کانولو، لونسباری، ۲۰۰۷). دسی و ونستینکیسته (۲۰۰۴) ادعا می‌کنند که خانواده‌های کنترل‌گر، آشفته و تنبیه‌گر و مکان‌های مشابه آموزشی برای ارضای این نیازها مناسب نیستند. در چنین فضاهایی تنش‌های درونی، بیگانگی، اضطراب، افسردگی، بدنی‌سازی، بازدارنده عملکرد موثر فرد و بدرفتاری در فرد برانگیخته می‌شود.

نتایج این پژوهش‌ها با دیدگاه روان‌شناسی فردی آدلر که معتقد است رابطه میان والد و فرزندان و بافت اجتماعی فرزند عاملی مؤثر در کاهش یا افزایش نشانه‌های اختلال‌های رفتاری کودکان می‌باشد، همخوان است. تاکید آدلر بر بافت اجتماعی انسان و تعامل فرد با این بافت، در جایگاه متغیر «علاقه اجتماعی» در نظریه او قابل درک است. آدلر علاقه اجتماعی را شاخص اصلی سلامت روان در کودکان و بزرگسالان می‌داند (بنجامین، ۲۰۰۴)، و آن را به صورت استعداد فطری برای همکاری کردن با دیگران جهت دستیابی به هدف‌های شخصی و اجتماعی تعریف می‌کند (شولتز و شولتز، ۱۹۹۸ / ۱۳۸۵). علاقه اجتماعی به وسیله بعضی از رفتارها مثل کمک کردن، سهیم بودن در کارها، با ادب بودن، سازگاری، همکاری و دلسوزی کردن، و عواطفی مثل تعلق داشتن، حس کمک به دیگران، اعتماد به دیگران و خوش‌بین بودن نشان داده می‌شود. فقدان علاقه اجتماعی نیز به وسیله خودمحوری، نیاز شدید به قدردانی و سپاس‌گذاری، حس انزوایی و نیاز شدید به تحت کنترل بودن نشان داده می‌شود (چپل، ۲۰۰۲).

مطابق با پژوهش‌های گذشته، علاقه اجتماعی بالا ارضای نیازهای روان‌شناختی را بهبود می‌بخشد. برای مثال هوبر (۲۰۰۸) در مطالعات خود بیان می‌دارد علاقه اجتماعی با متغیرهای مربوط به نیازهای بنیادین همچون عزت نفس، فرهنگ‌پذیری، خودکارآمدی، سلامت روان و رضایت زندگی، منابع مقابله‌ای، شادکامی و شوخ‌طبعی و کمک‌های داوطلبانه رابطه مستقیمی دارد. پژوهش‌های دیگری نشان داده‌اند افراد با سطوح بالای علاقه اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی چون جامعه‌پذیری<sup>۱</sup>، درک و همکاری<sup>۲</sup>،

<sup>1</sup> Sociability

<sup>2</sup> Collaboration

شکیبایی<sup>۱</sup>، حمایت‌گری<sup>۲</sup> و خودمختاری مفید را دارا هستند (آیاندس، ۲۰۰۸). از نقطه نظر آدلرگراها به تناسب افزایش میزان علاقه اجتماعی احساسات بی‌کفایتی و انزوای فرد کاهش می‌یابد (لیک، ۲۰۰۶). در مجموع با توجه به عدم ارضای مناسب نیازهای بنیادین روان‌شناختی کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای و ضرورت ایجاد یک بافت اجتماعی مناسب برای ارضای این نیازها در فضای خانواده و تاکید رویکرد روان‌شناسی فردنگر بر عامل علاقه اجتماعی در سلامت بافت اجتماعی خانواده، هدف از پژوهش حاضر بررسی این مسئله است که، آیا آموزش برنامه افزایش علاقه اجتماعی (مادر-کودک)، ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی را در کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای افزایش داده است؟ ضمناً با توجه به اینکه تا به حال آموزش مدونی جهت ارتقاء علاقه اجتماعی تهیه نگردیده است، در پژوهش حاضر ابتدا برنامه آموزش علاقه اجتماعی برای مادران و کودکان تدوین گردید، و سپس تاثیر این برنامه بر نیازهای بنیادین روان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفت.

## روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری  
پژوهش حاضر با توجه به هدف، پژوهشی کاربردی و از نظر روش تحقیق، آزمایشی است. از آنجا که امکان کنترل کلیه عوامل در پژوهش‌هایی از این دست وجود ندارد، از طرح آزمایشی پیش‌آزمون-پس-آزمون با گروه کنترل استفاده شد.

جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانش‌آموزان ۹ تا ۱۲ ساله دارای اختلال نافرمانی مقابله‌ای و والدین آنها که در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ جهت درمان به مراکز روان‌شناختی سطح شهر تهران ارجاع شده‌اند، تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای و سپس جایگزینی تصادفی است. ابتدا از میان مراکز روان‌شناختی سطح شهر تهران که محل ارجاع دانش‌آموزان با اختلالات رفتاری هستند، به صورت تصادفی دو مرکز آتیه و تلاش انتخاب شدند. سپس از میان دانش‌آموزان ۹ تا ۱۲ سال ارجاع شده، ۳۴ نفر از افرادی که در مصاحبه تشخیصی و نیز آزمون CBCL دارای این اختلال تشخیص داده شدند، به همراه والدین آنها به صورت تصادفی به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردیدند. پس از انتخاب نمونه‌های پژوهش آنها به صورت تصادفی در دو گروه ۱۷ نفری آزمایش و کنترل جایگزین شدند. از میان آزمودنی‌ها تا انتهای پژوهش از هر گروه آزمایش و کنترل ۱ آزمودنی از پژوهش انصراف دادند. در نهایت تعداد آزمودنی در دو گروه آزمایش و کنترل به ۳۲ نفر رسید.

<sup>1</sup> Patience

<sup>2</sup> supportiveness

تأثیر برنامه آموزش علاقه اجتماعی (مادر-کودک) بر ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی کودکان با ...

## ابزار

**سیاهه رفتاری کودک<sup>۱</sup> (CBCL):** سیاهه رفتاری کودک توسط آخنباخ و رسکورلا (۲۰۰۱) جهت بررسی رفتاری افراد ۶-۱۸ سال تهیه شده است. پرسشنامه توسط والدین و یا فردی که سرپرستی کودک را عهده‌دار است، تکمیل می‌گردد و شامل ۱۱۳ سوال است. پاسخ‌دهنده بر اساس وضعیت کودک در شش ماه گذشته، به سوالات پاسخ می‌دهد. این سیاهه شایستگی‌ها، کنش یا کارکرد انطباقی و مشکلات عاطفی- رفتاری را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این سیاهه توسط یزدخواستی و عریضی (۱۳۹۰) در ایران هنجاریابی شده است. میزان آلفای کرونباخ برای نسخه والدین این سیاهه در این مطالعه برابر ۰/۹۰ به- دست آمده است. در مطالعه حاضر جهت تشخیص کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای از زیرمقیاس نافرمانی مقابله‌ای این سیاهه استفاده شده است که روایی درونی این زیرمقیاس معادل  $\alpha=0/70$  به دست آمد.

**مقیاس علاقه اجتماعی برای کودکان ایرانی<sup>۲</sup> (SISIC):** مقیاس علاقه اجتماعی دارای ۶۳ گویه است که توسط علیزاده و تورانی، مورفی، سوئیلی و فرگوسن درایکورس (زیر چاپ) جهت اندازه-گیری علاقه اجتماعی در کودکان ۴-۱۲ ساله ایرانی، و بر اساس مفهوم سبک زندگی آلفرد آدلر طراحی شده است. آنها در مطالعه خود با استفاده از تحلیلی عاملی اکتشافی چهار زیرمقیاس مسئولیت‌پذیری-انجام تکلیف، ارتباط با مردم و همدلی، جرأت و اطمینان و برابری در مقابل احساس کهنتری- برتری را استخراج کردند. مطالعه علیزاده و همکاران بر روی نمونه ۳۰۰ نفری (۱۸۰ دختر و ۱۲۰ پسر)، روایی مطلوب ( $\alpha=0/92$ ) این مقیاس را نشان می‌دهد. در مطالعه حاضر روایی درونی این مقیاس معادل  $\alpha=0/87$  به دست آمد.

**مقیاس ارضای نیازهای بنیادین<sup>۳</sup> (BNS):** این مقیاس توسط گاردیا، دسی و ریان (۲۰۰۰) ساخته شده که میزان احساس حمایت از نیازهای خودمختاری، شایستگی و ارتباط با دیگران آزمودنی‌ها را می-سنجد. مقیاس مذکور شامل ۲۱ سوال است که بر اساس مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت درجه‌بندی شده است. ضرایب پایایی حاصل از اجرای آن بر روی پدر، مادر و دوستان آزمودنی‌ها ۰/۹۲ گزارش شده است (گاردیا و همکاران، ۲۰۰۰). همچنین این مقیاس در نمونه ایرانی اجرا شده و از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار است، به طوری که آلفای آن بین ۰/۷۶ تا ۰/۷۹ در نوسان بوده است (قربانی و واتسون، ۲۰۰۴؛ قربانی، ۱۳۸۳). در این مطالعه همسانی درونی این مقیاس برابر  $\alpha=0/74$  به دست آمد.

<sup>1</sup> Child Behavior Checklist

<sup>2</sup> Social Interest Scale for Iranian Children

<sup>3</sup> Basic Needs Satisfaction

**برنامه آموزش علاقه اجتماعی برای مادران و کودکان:** برنامه آموزش علاقه اجتماعی برگرفته از نظریه آدلر و درایکورس (درایکورس و سولتس، ۱۳۹۱/۱۹۹۵) می‌باشد. با توجه به مطالعات پژوهشگر در حوزه آموزش علاقه اجتماعی، منبع خاصی که حاوی یک برنامه آموزشی مدون برای آموزش این متغیر باشد، یافت نشد. در نتیجه پژوهشگر در ابتدا با تکیه بر نظریه آدلر - درایکورس و ادبیات پژوهشی این حوزه اقدام به تدوین چارچوب یک برنامه آموزشی نموده، سپس برنامه جهت تأیید در اختیار اساتید این حوزه قرار گرفته و پس از تأیید اساتید و افراد متخصص، برنامه به اجرا درآمده است. نتایج جستجو در پژوهش‌های موجود در این زمینه، ۸ عامل فردی و اجتماعی موثر بر علاقه اجتماعی را مشخص نمود که عبارتند از: کیفیت تعاملات فرزندان با والدین درون بافت خانواده (پروچاسکا و نورکراس، ۱۹۹۹/۱۳۸۵) و کیفیت تعاملات آنها با دیگران خارج از این بافت (جیوردانو، ۲۰۱۲)، همدلی اجتماعی کودکان (گوزیک، دورمان، گراف، آلترمت، فورسیس، ۲۰۰۴)، پرهیز از سبک تربیتی سهل‌گیرانه و تأکید بر سبک مقتدرانه (هایلند، ۲۰۰۸، وچتل، ۲۰۱۵)، پرهیز از دلسوزی بیش از حد توسط والدین و تأکید بر سپردن مسئولیت- های فردی و اجتماعی به فرزند (دریکورس و کاسل ۲۰۰۴/۱۳۹۲)، کیفیت روابط مادر و پدر در داخل بافت خانوادگی (درایکورس و سولتس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰)، پرهیز از ایجاد فضای رقابتی در بافت تربیتی خانواده (دریکورس و کاسل ۲۰۰۴/۱۳۹۲)، دلگرمی (ایوانز، ۲۰۰۵). با توجه به اینکه ۸ عامل برشمرده شده نیاز به آموزش در سطح فردی و خانوادگی دارد، برنامه آموزشی افزایش علاقه اجتماعی در دو سطح آموزش فردی و آموزش والدین طراحی گردید. در مجموع ۲۰ جلسه آموزشی (۱۰ جلسه آموزش والدین و ۱۰ جلسه آموزش کودکان) ۶۰ دقیقه‌ای اجرا شد. خلاصه جلسات در دو گروه را می‌توانید در جدول شماره ۱ و ۲ مشاهده کنید. در جلسات آموزش والدین از روش‌های سخنرانی، بحث گروهی، ایفای نقش و انجام تمرین در منزل استفاده شد. در جلسات مربوط به کودکان نیز از روش‌های بحث گروهی، بحث در گروه- های کوچک، روش مشارکتی و تکلیف در خانه استفاده شد.

---

<sup>1</sup> Dreikurs & Soltz

تأثیر برنامه آموزش علاقه اجتماعی (مادر-کودک) بر ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی کودکان با ...

### جدول ۱: محتوا و تکالیف جلسات آموزش والدین در برنامه آموزش علاقه اجتماعی

جلسات	محتوا	تکالیف
اول	آشنایی با اصول شناخت رفتار شامل هدف گرایی، اجتماعی بودن و ذهن گرایی، معرفی مفهوم علاقه اجتماعی	ارائه مثال‌هایی از زندگی خانوادگی که نمودی از علاقه اجتماعی است.
دوم	آشنایی با اهداف اشتباه کسب توجه، کسب قدرت فرزندان برای ایجاد تعلق، نقش والدین در ایجاد و پایداری این اهداف و آموزش نحوه برخورد صحیح هنگام مواجهه با این اهداف	تهیه چک لیست برای رفتارهای با اهداف کسب توجه، کسب قدرت و عکس‌العمل والدین هنگام مواجهه
سوم	آشنایی با اهداف اشتباه انتقام‌جویی و احساس عدم کفایت فرزندان برای ایجاد تعلق، نقش والدین در ایجاد و پایداری این اهداف و آموزش نحوه برخورد صحیح هنگام مواجهه با این اهداف	تهیه چک لیست رفتارهای با اهداف انتقام‌جویی و احساس عدم کفایت و عکس‌العمل والدین هنگام مواجهه
چهارم	آموزش اصول اساسی ارتباط والد- فرزند شامل شنونده خوب بودن، پرهیز از سخنرانی، عامل بودن، برگزاری جلسات خانوادگی و ...	ارائه گزارش از برگزاری یک جلسه خانوادگی و نحوه تعامل
پنجم	درک مفهوم مشارکت و آموزش نحوه جلب مشارکت فرزندان و نیز مفهوم تعاون و همکاری	ارائه چک لیست ۱۰ موقعیت مشارکت برای فرزند و گزارش اجرا
ششم	آشنایی با مفهوم دلگرمی و آموزش شیوه دلگرم سازی خود و فرزندان	گزارش دادن ۵ موقعیت دلگرمی برای خود و فرزند
هفتم	آشنایی با اصول مواجهه والدین با نزاع بین والد- فرزند و فرزند-فرزند	ارائه ۲ مثال از نحوه مواجهه صحیح با نزاع بین والد و فرزندان
هشتم	پرهیز از عوامل آسیب‌زا به علاقه اجتماعی فرزندان مانند: پاداش وابستگی، مقایسه کردن، عدم واگذاری مسئولیت، لوس کردن و دلسوزی و ...	تهیه چک لیست از دفعات خودداری از رفتارهای آسیب‌زا به علاقه اجتماعی
نهم	پرهیز از عوامل آسیب‌زا به علاقه اجتماعی فرزندان مانند: انتظار کامل بودن از فرزند، عدم تاکید بر توانمندی‌های او و کمک به رشد آنها، بی‌توجهی به نقش کودک در خانواده و ...	تهیه چک لیست از دفعات خودداری از رفتارهای آسیب‌زا به علاقه اجتماعی
دهم	جمع‌بندی جلسات و پاسخگویی به سوالات والدین	-

## جدول ۲: محتوا و تکالیف جلسات آموزش کودکان در برنامه آموزش علاقه اجتماعی

جلسات	محتوا	تکالیف
اول	معرفی اعضا به یکدیگر، تعیین مشارکتی روند برگزاری جلسات و نیز تعیین قوانین جلسات، بررسی ضرورت زندگی اجتماعی و همکاری سیستمی در خانواده	تهیه چک لیست وظایف فرزند در خانواده و همکاری‌های او در طی هفته
دوم	آشنایی با مهارت‌های کنترل خشم و تاکید بر حس برابری	ارائه گزارش یک مواجهه صحیح با خشم در طی هفته
سوم	بازشناسی و روبرو شدن شرکت‌کنندگان با توانمندی‌های فردی خود	تهیه چک لیست توانمندی‌های فرد از دیدگاه اعضا خانواده
چهارم	افزایش عزت نفس با تاکید بر توانمندی‌های خود و جرات ناکامل بودن	تهیه اهداف طولانی مدت با توجه به توانایی‌های فرد
پنجم	پرهیز از مقایسه کردن و عیب‌جویی، پرهیز از خطاهای تفسیری و تاکید بر سوال پرسیدن	تهیه چک لیست خطاهای تفسیری در مواجهه با دیگران
ششم	آشنایی با عوامل تسهیل کننده ارتباط و مشارکت	ارائه گزارشی از شروع یک ارتباط
هفتم	آموزش شیوه دلگرمی دادن به خود و دیگران	گزارش ۵ موقعیت ارائه دلگرمی برای خود و دیگران
هشتم	آشنایی با فتون افزایش همدلی	گزارشی از یک رابطه همدلانه با یکی از اعضای خانواده
نهم	آشنایی با موانع ایجاد همدلی در ارتباطات	ارائه چک لیستی از موانع ایجاد همدلی با اعضای خانواده در طی هفته
دهم	جمع‌بندی جلسات گذشته و پاسخگویی به سوالات	-

## روش اجرا

پس از تدوین برنامه و قبل از اجرای اصلی آن، برنامه آموزشی تدوین شده در ۲۰ جلسه (۱۰ جلسه والدین، ۱۰ جلسه کودکان)، بر روی ۱۳ نفر از کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای و والدین آنها به صورت آزمایشی به منظور دریافت پس‌خوراند از آنها اجرا شد. اساسی‌ترین علت اجرای آزمایشی برنامه آموزشی، کسب تسلط بیشتر بر روش‌های آموزشی و محتوای برنامه بود. ضمناً بر اساس پس‌خوراند شرکت‌کنندگان اصلاحاتی نیز در برنامه صورت گرفت. در مرحله نهایی پژوهش آموزش‌های موجود در جدول ۱ و ۲ بر روی ۱۶ نفر از والدین و فرزندان آنها در گروه آزمایش اجرا شد. گروه کنترل در این مرحله آموزشی دریافت نکردند.



تأثیر برنامه آموزش علاقه اجتماعی (مادر-کودک) بر ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی کودکان با ...

## یافته‌ها

برای بررسی داده‌ها ابتدا میانگین و نمرات انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در دو گروه آزمایش و کنترل به تفکیک محاسبه شد که نتایج آن در جدول ۳ به نمایش گذاشته شده است.

**جدول ۳: میانگین و انحراف استاندارد پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه‌ها در متغیرهای پژوهش**

عوامل	گروه	مراحل	M	SD
علاقه اجتماعی	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۹۹/۶۳	۲۷/۷۷
		پس‌آزمون	۲۲۸/۱۹	۲۶/۶۸
	کنترل	پیش‌آزمون	۲۰۳/۳۸	۲۶/۶۵
		پس‌آزمون	۲۰۳/۴۳	۲۷/۲۱
خودمختاری	آزمایش	پیش‌آزمون	۳۹/۹۴	۷/۸۶
		پس‌آزمون	۳۴/۳۱	۷/۷۱
	کنترل	پیش‌آزمون	۳۰/۸۱	۶/۴۲
		پس‌آزمون	۳۱/۶۲	۸/۵۰
ارتباط	آزمایش	پیش‌آزمون	۴۰/۲۵	۴/۵۱
		پس‌آزمون	۴۳/۰۰	۶/۵۷
	کنترل	پیش‌آزمون	۴۰/۱۲	۴/۸۱
		پس‌آزمون	۴۰/۱۹	۵/۱۸
شایستگی	آزمایش	پیش‌آزمون	۳۷/۶۲	۷/۸۳
		پس‌آزمون	۳۲/۱۲	۴/۲۷
	کنترل	پیش‌آزمون	۳۷/۸۱	۷/۲۹
		پس‌آزمون	۲۸/۶۸	۶/۶۱

همان‌گونه که جدول ۴ نشان می‌دهد، نمرات آزمودنی‌های گروه آزمایش در پس‌آزمون افزایش بیشتری نسبت به نمرات آزمودنی‌های گروه کنترل داشته است.

به منظور مقایسه میانگین نمرات در پس‌آزمون گروه‌ها در متغیرهای علاقه اجتماعی و هر یک از نیازهای بنیادین روانشناختی و کنترل اثر پیش‌آزمون از آزمون ANCOVA استفاده شده است. به این صورت که نمرات پیش‌آزمون به عنوان متغیر همپراش کنترل شد و سپس نمرات پس‌آزمون مورد مقایسه قرار گرفت. ضمناً تحلیل پیش‌فرض‌های این آزمون شامل همگنی واریانس‌ها، نرمال بودن توزیع،

خطی بودن رابطه پیش‌آزمون و پس‌آزمون و همگنی شیب ضرایب رگرسیون نیز قبل از انجام تحلیل کوواریانس تایید شد. نتایج این تحلیل‌ها در جدول نشان داده شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون تحلیل کوواریانس برای متغیر علاقه اجتماعی و نیازهای بنیادین روان‌شناختی

عامل	منابع واریانس	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	P	مجذور اتا	توان آزمون
علاقه اجتماعی	پیش‌آزمون	۹۸۲۶/۲۴	۱	۹۸۲۶/۲۴	۲۲/۲۷	۰/۰۰۰۱	۰/۴۳	۰/۹۹
	گروه	۷۰۱۲/۱۷	۱	۷۰۱۲/۱۷	۱۵/۸۹	۰/۰۰۰۱	۰/۳۵	۰/۹۷
	خطا	۱۲۷۹۶/۲۰	۲۹	۴۴۱/۲۵				
	مجموع	۱۵۰۲۱۵/۱۰۰	۳۲					
خودمختاری	پیش‌آزمون	۱۲۵۳/۳۷	۱	۱۳۵۳/۳۷	۶۳/۱۲	۰/۰۰۰۱	۰/۶۸	۱
	گروه	۹۷/۹۷	۱	۹۷/۹۷	۴/۵۷	۰/۰۴	۰/۱۴	۰/۵۴
	خطا	۶۳۱/۸۲	۲۹	۲۱/۴۴				
	مجموع	۳۶۸۱۵/۰۰	۳۲					
ارتباط	پیش‌آزمون	۶۹۳/۱۱	۱	۶۹۳/۱۱	۵۶/۲۵	۰/۰۰۰۱	۰/۶۶	۱
	گروه	۵۷/۶۱	۱	۵۷/۶۱	۴/۶۷	۰/۰۳۹	۰/۱۴	۰/۵۵
	خطا	۳۵۷/۳۳	۲۹	۱۲/۳۲				
	مجموع	۵۶۴۷۵/۰۰	۳۲					
شایستگی	پیش‌آزمون	۵۲۸/۹۹	۱	۵۲۸/۹۹	۳۸/۳۳	۰/۰۰۰۱	۰/۵۷	۱
	گروه	۱۰۰/۳۳	۱	۱۰۰/۳۳	۷/۲۷	۰/۰۱۲	۰/۲۰	۰/۷۴
	خطا	۴۰۰/۱۹	۲۹	۱۳/۸۰				
	مجموع	۳۰۶۰۹/۰۰	۳۲					

همان‌گونه که جدول نشان می‌دهد نمرات پیش‌آزمون بر نمرات پس‌آزمون در متغیر علاقه اجتماعی تاثیر معنادار داشته است [F(۱،۲۹)=۲۲/۲۷، p<۰/۰۰۰۱]. همچنین اثر گروه بر نمرات پس‌آزمون معنادار است [F(۱،۲۹)=۱۵/۸۹، p<۰/۰۰۰۱]. به این صورت که بین میانگین نمرات پس‌آزمون گروه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد و ۰/۳۵ واریانس پس‌آزمون (افزایش میزان علاقه اجتماعی) مربوط به برنامه آموزش علاقه اجتماعی بوده است. توان آزمون ۰/۹۷ می‌باشد که حاکی از کفایت حجم نمونه است. بنابراین، به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت برنامه آموزشی افزایش علاقه اجتماعی منجر به افزایش معنادار نمرات آزمودنی‌ها در مقیاس علاقه اجتماعی شده است. همچنین بر اساس جدول نتایج بررسی تاثیر آموزش برنامه افزایش علاقه اجتماعی بر ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی (خودمختاری، ارتباط و شایستگی) در کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای با تعدیل اثر پیش‌آزمون نشان می‌دهد، علی‌رغم تاثیر معنادار نمرات پیش‌آزمون بر نمرات پس‌آزمون در هر سه زیرمقیاس (خودمختاری: [p<۰/۰۰۰۱]، [F(۱،۲۹)=۶۳/۱۲]؛ ارتباط: [p<۰/۰۰۰۱]، [F(۱،۲۹)=۵۶/۲۵]؛ شایستگی: [p<۰/۰۰۰۱]، [F(۱،۲۹)=۳۸/۳۳]) اثر گروه بر نمرات پس‌آزمون در هر سه زیرمقیاس معنادار بوده است (خودمختاری:

تأثیر برنامه آموزش علاقه اجتماعی (مادر-کودک) بر ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی کودکان با ...

$p < 0.05$ ؛  $[F(1,29) = 4.67, p < 0.05]$ ؛ ارتباط؛  $[F(1,29) = 4.57, p < 0.05]$ ؛ شایستگی؛  $p < 0.05$ ؛  $[F(1,29) = 7.27]$ ؛ بنابراین، تفاوت بین میانگین نمرات پس‌آزمون گروه‌ها معنادار است و  $0.14$  واریانس پس‌آزمون نیاز خودمختاری،  $0.14$  واریانس پس‌آزمون نیاز ارتباط و  $0.20$  واریانس پس‌آزمون نیاز شایستگی مربوط به برنامه آموزش علاقه اجتماعی بوده است. در مجموع نتایج حاصل از تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد، برنامه آموزش علاقه اجتماعی باعث ارتقای سطح علاقه اجتماعی کودکان و نیز ارضای هرچه بیشتر هر سه نیاز بنیادین روان‌شناختی گردیده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر برنامه آموزش علاقه اجتماعی بر ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی کودکان دارای اختلال نافرمانی مقابله‌ای بود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد آموزش علاقه اجتماعی ارضای هر سه نیاز بنیادین روان‌شناختی را افزایش می‌دهد.

پژوهش‌های این حوزه به طور عمده به سایر روش‌های آموزشی برآمده از نظریه آدلر، همچون روش آموزش والدین (استپ) یا شیوه‌های دلگرم‌سازی بر متغیرهای مرتبط با نیازهای بنیادین همچون اعتماد به نفس، عزت نفس، خودکارآمدی (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۹؛ نصیری فرد، ۱۳۸۹)، خودکنترلی (برجلی و همکاران، ۱۳۹۰) پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش‌ها با نتایج پژوهش حاضر هم‌راستا است. در تبیین نتایج به‌دست آمده از پژوهش حاضر با تکیه بر پیشینه پژوهش از چندین دریچه می‌توان نگریست.

دریچه اول توجه به مؤلفه‌هایی است که در برنامه علاقه اجتماعی به نوعی سبب افزایش میزان حمایت اجتماعی از کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای شده‌اند. نتایج پژوهش ریچارد (۲۰۱۱)، ولکر، اوبرلینتر، کین و کیر (۲۰۱۳) و مرادی، شیخ‌الاسلامی، احمدزاده و چراغی (۱۳۹۳) نشان می‌دهد، حمایت اجتماعی ارضای این نیازها را ارتقا می‌دهد.

در همین راستا، اساس رویکرد آدلری فرض این موضوع است که از کودکی تعلق داشتن به کل جامعه (علاقه اجتماعی)، هدف اساسی فردی است (علیزاده و سجادی، ۱۳۸۸). علاقه اجتماعی به وسیله بعضی از رفتارها مثل کمک کردن، سهیم بودن در کارها، با ادب بودن، سازگاری، همکاری و عواطفی مثل تعلق داشتن، حس کمک به دیگران، اعتماد به دیگران و خوش بودن نشان داده می‌شود (چپل<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲). با مرور رفتارهای مورد اشاره واضح است که ارتقا میزان علاقه اجتماعی میزان حمایت اجتماعی از فرد را در بافت اجتماعی افزایش می‌دهد. در نهایت حمایت اجتماعی نیز منجر به افزایش ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی خواهد شد.

ضمناً در برنامه آموزشی علاقه اجتماعی نیز، هم در سطح والدین و هم کودکان نافرمان، تأکید بر افزایش میزان حمایت در بافت اجتماعی از این کودکان به‌شدت مد نظر بوده است. در برنامه آموزش

والدین با تاکید بر شرکت کودکان در گروه‌های مختلف، استفاده از مشارکت کودکان در امور خانواده، استفاده از تکنیک‌های دلگرمی توسط والدین هنگام مشارکت فرزندان، شرکت در فضاهای خیریه، آموزش همدلی به والدین به خصوص تاکید بر شنونده خوب بودن؛ تاکید بر عدم مقایسه دائمی فرزند، ابراز صمیمیت صحیح، عدم تاکید بر کامل بودن کودک میزان حمایت اجتماعی توسط خانواده افزایش یافته است. در سطح فردی نیز کودکان نافرمان مقابله‌ای، با یادگیری مهارت‌هایی همچون روش ورود به گروه، همدلی با اعضا گروه و درک دیگران و مهارت کنترل خشم زمینه افزایش میزان جذب حمایت اجتماعی را فراهم کردند. در مجموع می‌توان گفت برنامه آموزشی علاقه اجتماعی با ارتقا سطح حمایت اجتماعی از کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای در بافت اجتماعی‌شان باعث افزایش سطح ارضای نیازهای بنیادین آنها شده است.

دریچه دیگر بحث در زمینه ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی، اشاره به محیط اجتماعی تأمین کننده این نیازهاست. مطابق با نظریه خودتعیین‌گری لازم است هر شخص برای ارضای بهتر و سهل‌تر هر نیاز، به محیط اجتماعی تأمین کننده همان نیاز دسترسی داشته باشد (دسی و وستینکیسته، ۲۰۰۴؛ لیلی، منجمج و اسکوت، ۲۰۱۴). در پژوهش حاضر نیز در بخش آموزش به والدین این مهم مورد تاکید قرار گرفته است. اولین محوری که در بخش آموزش والدین در برنامه ارتقای علاقه اجتماعی فرزندان به ایجاد محیط اجتماعی مناسب جهت ارضای نیازهای روان‌شناختی می‌پردازد، تاکید بر استفاده از مشارکت فرزندان در امور خانواده به انتخاب خودشان و دلگرم کردن آنها و نیز پرهیز از لوس کردن و دلسوزی بیجا در قبال فرزند است. مشارکت فرزند در امور خانواده، توجه به انتخاب‌های او و دلگرم کردن او منجر به افزایش ارضای نیازهای خودمختاری، شایستگی و ارتباط به صورت توانمند خواهد شد. محور دوم آموزش والدین که محیط اجتماعی خانواده را ارضاکنده‌تر می‌کند، تاکید بر انتظارات واقع‌بینانه و پرهیز از انتظارات کمال‌گرایانه و نیز مقایسه فرزند با دیگران در تعامل والد- فرزند است. این محور به خصوص در رشد احساس شایستگی در بستر خانواده بسیار یاری‌دهنده است. محور سوم در برنامه افزایش علاقه اجتماعی، جهت کیفیت بخشی به روابط والد-فرزند، بازشناسی توانمندی‌های کودکان نافرمان توسط والدین بود. توجه به ویژگی‌های مثبت کودکان توسط والدین و اشاره به این ویژگی‌ها نیز کیفیت تعاملات والد- فرزند را ارتقا داده و به نفع ارضای نیازهای بنیادین عمل می‌کند.

دریچه سوم که می‌توان از طریق آن به تبیین اثرگذاری برنامه آموزش علاقه اجتماعی بر ارضای نیازهای بنیادین نگریست، بررسی ویژگی‌های هر یک از نیازهای بنیادین روان‌شناختی به صورت مجزا و بررسی مؤلفه‌های برنامه آموزش علاقه اجتماعی که در ارضای این نیازها مؤثر بوده‌اند، می‌باشد.

در مورد نیاز به خودمختاری بومیستر (۱۹۹۵) اظهار می‌کند، محیط‌هایی خودمختاری را تقویت می‌کنند که فعال بوده و همراه با مشارکت فراوان هستند. مشارکت یکی از اجزاء مهم برنامه آموزش علاقه

تأثیر برنامه آموزش علاقه اجتماعی (مادر-کودک) بر ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی کودکان با ...

اجتماعی تدوین شده در پژوهش حاضر است. با مرور برنامه آموزش علاقه اجتماعی می‌توان تعیین کرد که بجز مشارکت، پذیرش فردیت و قدرت اراده کودکان و هدف‌مداری رفتار آنها جزء اصول اولیه نظریه آدلر و برنامه آموزش علاقه اجتماعی در سطح آموزش والدین است. در سطح آموزش به کودکان نیز با قانون‌گذاری مشارکتی در طی جلسات و بازنمایی ویژگی‌های فردی و مثبت کودکان و نیز دلگرمی به آنها اعتماد به توانمندی‌های خود و احساس خودمختاری ارتقا یافت.

در مورد نیاز به احساس شایستگی، بازخوردهای منفی دیگران می‌تواند احساس شایستگی را کاهش داده و ممکن است به بی‌انگیزه شدن فرد بیانجامد و به عدم درگیری فرد در فعالیت‌ها منجر شود (اوزمان، ۲۰۱۴). در برنامه آموزش علاقه اجتماعی پژوهش حاضر، با فراهم کردن فضای ارائه بازخورد مثبت کودکان برای ویژگی‌های مثبت یکدیگر امکان ارتقای احساس شایستگی در سطح جلسات آموزش فردی فراهم شد. در برنامه آموزش والدین نیز بر استفاده از توانمندی کودکان در یک فضای مشارکتی، انتظارات واقع‌بینانه و دلگرم‌سازی والدین تاکید و مهارت‌های لازم آموزش داده شد. تمام نکات برشمرده شده می‌توانند میزان احساس شایستگی فرد را ارتقا دهند، اما از میان موارد برشمرده شده مهارت دلگرمی می‌تواند نقش بسزایی در این زمینه ایفا کند (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۹).

دلگرمی به افراد برای داشتن یک اعتقاد راسخ الهام می‌بخشد و کمک می‌کند تا آنها بتوانند برای یافتن راه‌حل‌ها کار کنند و نیز بتوانند بر هر مخمصه‌ای فائق آیند و در واقع به نوعی، دلگرمی دستیابی به شجاعت است (لمبرجر و دولارهاید، ۲۰۰۶). در برنامه آموزش علاقه اجتماعی پژوهش حاضر هم در حوزه آموزش والدین و هم در حوزه آموزش کودکان به آموزش دلگرم‌سازی و خود دلگرم‌سازی پرداخته شد، بدیهی است که با توجه به پژوهش‌های برشمرده شده، این آموزش‌ها می‌تواند در زمینه افزایش ارضای نیاز به شایستگی نقش مؤثری ایفا کند.

در زمینه نیاز ارتباط نیز برنامه آموزش علاقه اجتماعی با چندین مؤلفه منجر به افزایش میزان ارضای این نیاز شد. ماهیت گروهی جلسات کودکان، استفاده از بحث‌های گروهی (گروه‌های بزرگ و کوچک)، آموزش مهارت‌های ارتباطی به‌ویژه مهارت همدلی از خصیصه‌های عمده جلسات آموزشی کودکان بود که همگی می‌توانند در افزایش میزان ارضای نیاز به ارتباط نقش ایفا کنند.

در آموزش‌های مربوط به والدین نیز در زمینه‌های برقراری ارتباط با کودک (گوش دادن به کودکان، فراهم کردن فرصت برای گفتگو با کودکان، قانون‌گذاری مشارکتی، به مشارکت گرفتن کودکان) و پرهیز از رفتارهایی که منجر به آسیب به ارتباط والد-فرزند می‌شود (رقابت، تمسخر، مقایسه و ...) مهارت‌های لازم آموزش داده شد. این آموزش‌ها نیز در ارضای نیاز به ارتباط کودکان به‌خصوص در سطح خانواده تأثیرگذار بوده‌اند. در کل می‌توان نتیجه گرفت برنامه آموزش علاقه اجتماعی با ایجاد یک محیط مناسب برای ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی و افزایش میزان حمایت اجتماعی از فرد، سبب

افزایش میزان ارضای هر سه نیاز شده است. با توجه به این نتیجه پیشنهاد می‌شود از این شیوه آموزشی در جهت افزایش ارضای نیازهای بنیادین کودکانی که به علت عدم ارضای این نیازها دچار اختلال‌های گوناگون شده‌اند و نیز کیفیت بخشی به محیط فرزندپروری در فضای خانواده و ویژگی‌های مثبت اجتماعی کودک استفاده شود.

## منابع

- انجمن روانپزشکی آمریکا. (۲۰۱۳). *تغییرات راهنمای تشخیصی آماری اختلال‌های روانی در ویرایش پنجم*. ترجمه قاسمی پور، یدالله (۱۳۹۲). تهران: انتشارات بینش نو.
- انجمن روانپزشکی آمریکا. (۲۰۰۰). *متن چهارمین نسخه تجدید نظر شده راهنمای تشخیصی آماری اختلال‌های روانی*. ترجمه نیکخواه و اودایانس (۱۳۸۶). تهران: انتشارات سخن.
- برجلی، محمود، علیزاده، حمید، احدی، حسن، فرخی، نورعلی، سهرابی، فرامرز، (۱۳۹۰). بررسی و مقایسه تأثیر روش‌های آموزش دلگرم سازی، روش رفتاری و دارودرمانی بر مهارت‌های خودکنترلی در کودکان با اختلال نارسیایی توجه/بیش فعالی. *مجله روانشناسی بالینی*، ۱، ۶۳-۹۲.
- پروچسکا، جیمز، و نوکراس، جان. سی. (۱۹۹۹). *نظریه‌های روان‌درمانی*. ترجمه سید محمدی، یحیی. (۱۳۹۰). تهران: انتشارات رشد.
- درایکورس، رادولف، سولتس، ویکی. (۱۹۹۵). *کودکان خوشبخت*. ترجمه علیزاده، حمید و روحی، علی. (۱۳۹۱). تهران: انتشارات ارسباران.
- درایکورس، رادولف، و کاسل، پرل. (۲۰۰۴). *انضباط بدون اشک*. ترجمه علیزاده، حمید و روحی، علیرضا. (۱۳۸۸). تهران: انتشارات رشد.
- درایکورس، رادولف، گرونوالد، برنیس، برونی، و چایلدزپیپر، فلوی. (۱۹۹۷). *فنون مدیریت کلاس، رویکرد روان‌شناختی به بهسازی آموزش و ارتباطات مدرسه*. ترجمه علیزاده، حمید و روحی، علیرضا. (۱۳۸۸). تهران: نشر دانژه.
- سادوک بنجامین. جیمز، و سادوک ویرجینیا، آلکوت. ا. (۲۰۰۷). *خلاصه روان‌پزشکی*. ترجمه رضاعی، فرزین. (۱۳۸۷). تهران: ارجمند.
- شولتز، دوان. و شولتز، سیدنی، آلن. (۱۹۹۸). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه سیدمحمدی، یحیی. تهران: نشر ویرایش، چاپ چهارم (۱۳۸۵).
- علیزاده، حمید، و سجادی، حبیب‌السادات. (۱۳۸۹). *روابط دموکراتیک و احترام متقابل*. تهران: نشر دانژه.
- علیزاده، حمید، نصیری فرد، نفیسه، کرمی، ابوالفضل. (۱۳۸۹). *تأثیر آموزش دلگرمی مبتنی بر رویکرد آدلر بر روی خودکارآمدی عزت نفس دختران نوجوان*. *مجله مطالعات اجتماعی- روان‌شناختی زنان*، ۸(۴)، ۱۴۳-۱۶۸.
- علیزاده، ح.، اسماعیلی، ک.، سهیلی، ف.، زبیرچاپ. و ویژگی‌های روان‌سنجی (ساختار عاملی و پایایی) مقیاس علاقه اجتماعی برای کودکان ایرانی ۴ تا ۱۲ سال. *اندازه‌گیری‌های تربیتی*.
- قربانی، نیما. (۱۳۸۳). *بازنگری در مبادی معنایی خودشناسی*. معاونت پژوهشی دانشگاه تهران.
- مرادی، مرتضی. شیخ‌الاسلامی، راضیه، احمدزاده، مژده، چراغی، اعظم. (۱۳۹۳). *حمایت اجتماعی، نیازهای اساسی روانشناختی و بهزیستی روانشناختی: واریسی یک مدل علی در زنان شاغل*. *فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۳۹، ۲۹۷-۳۰۹.
- مینایی، اصغر. (۱۳۸۵). *انطباق و هنجاریابی سیاهه رفتاری کودک آخبناخ، پرسشنامه خودسنجی و فرم گزارش معلم*. *فصلنامه پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، ۱(۶)، ۵۲۹-۵۵۸.
- نصیری فرد، نفیسه، (۱۳۸۹). *اثربخشی آموزش دلگرمی بر بهبود خودکارآمدی و عزت نفس دختران نوجوان*. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبایی.
- یزدخواستی، فریبا، عریضی، حمیدرضا. (۱۳۹۰). *هنجار یابی ۳ نسخه کودک، پدرا مادر و معلم سیاهه رفتار کودک در شهر اصفهان*. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱(۱۷)، ۶۰-۷۰.

Achenbach, T. M., & Rescorla, L. A. (2001). *Manual for the ASEBA School-Age Forms & Profiles*. Burlington, VT: University of Vermont, Research Center of Children, Youth & Families.

تأثیر برنامه آموزش علاقه اجتماعی (مادر-کودک) بر ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی کودکان با ...

- Bartholomew, K. J., Ntoumanis, N., Ryan, R. M., & Thøgersen-Ntoumani, C. (2011). Psychological need thwarting in the sport context: Assessing the darker sides of athletic experience. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 33, 75-102.
- Baumeister, R., & Leary, M. R. (1995). The need to belong: Desire for interpersonal attachments as a fundamental human motivation. *Psychological Bulletin*, 117, 497-529.
- Benjamin .G .(2004).*Adlerian based parenting education in little Haiti. An action reaserch .Union Institute and University .Development*. Blackweel publishing.
- Boylan, K., Vaillancourt, T., Boyle, M., & Szatmari, P. (2007). Comorbidity of internalizing disorders in children with oppositional defiant disorder. *European Journal of Child Adolescent Psychiatry*, 16, 484-494.
- Chapel, H.(2002) why community works: The us of alferd adlers individual psychology. College student Affai journal.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000a). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *American Psychologist*, 55, 1, 68-78.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000b). The "What" and "Why" of goal pursuits: human needs and the self determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11, 227-268.
- Deci, E.L., & Vansteenkiste, M., (2004). Self-determination Theory and Basic Need Satisfaction: Understanding human development in positive psychology. *Ricerche di Psicologia*,1, 27, 23-40.
- Evans, T. (2005).The tools of Encouragement. *Reading for child and youth care people*, 73, 1-10.
- Ghorbani, N. & Watson, P. J. (2004). Two facets of selfknowledge, big five: and promotion among Iranian managers. *Journal of social behavior and personality: An International Journal*, 32, 769-776.
- Giordano, A. L. (2012). Social interest and social bonding: understanding collegiate hazardous drinking and marijuana use. University of North Carolina at Greensboro Unpublished doctoral dissertation.
- Guardia, G. J., Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). Within person variation in security of attachment: A self theory perspective on attachment, Need Fulfillment and wellbeing. *Journal of personality and social psychology*,79, 367-384.
- Guzick. T.G. Dorman. J.W. Groff. T.S. Altermatt. E. R. Forsyth. G. A. (2004). Fostering social interest in schools for long-term and short-term outcomes. *Journal of Individual Psychology*, 60, 361-378.
- Hale. C. S. (1999). Eight level of social interest: Adult development from an Adlerian paradigm, *Adult span Journal*, 1(2), 66-78.
- Highland. R. A. (2008). Murderers and nonviolent offenders: A comparison of lifestyle, pampering, and early recollection, *PHD Dissertation*, college of Education, Georgia State University.
- Huber, J. (2008). *Reading in the theory of individual psychology. A collection of later writings*. Slavik. S. Carlson. J. (EDS.) New York & London.
- Ionedes, N. (2008). An exploration of social interest therapy as a treatment for depression in the elderly. *Desertions of Doctor of psychology*. Capella University.
- Johnston, M., & Finney, S. (2010). Measuring basic needs satisfaction: Evaluating previous and conducting new psychometric evaluations of the basic needs satisfaction in general scale. *Psychology of Export and Exercise*, 11, 91-99.
- Kazdin, A. E. (1995). *Conduct disorders in childhood and adolescence* (2nd ed). Newbury Park, CA: Sage.

- La Guardia, J. G., & Patrick, H. (2008). Self-determination theory as a fundamental theory of close relationships. *Canadian Psychology*, 49(3), 201-209.
- Leak, G.K. (2006). Development and validation of a revised measure of Adlerian social interest. *Social Behavior and Personality*, 34(4), 443-450.
- Lemberger, M. E & Dollarhide, C. T, (2006). Encouraging the Supervisee's Style of Counseling: An Adlerian Model for Counseling Supervision, *The Journal of Individual Psychology*, 62(2), 107-125.
- Lili, T., Mengmeng, H. E. & Scott, H. (2014). Preliminary development of the adolescent Students' Basic Psychological Needs at School Scale. *Journal of Adolescence*, 37, 257-267
- Niemiec, C. P., & Ryan, R. M. (2009). Autonomy, competence, and relatedness in the classroom: Applying self-determination theory to educational practice. *Theory and Research in Education*, 7 (56), 133-144.
- Nock, M. K., Kazdin, A. E., Hiripi, E., & Kessler, R. C. (2007). Lifetime prevalence, correlates, and persistence of oppositional defiant disorder: Results from the National Comorbidity Survey Replication. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 48, 703-713.
- Patrick, H., Knee, C. R., Canevello, A., & Lonsbary, C. (2007). The role of need fulfillment in relationship functioning and well-being: A self-determination theory perspective. *Journal of Personality and Social Psychology*, 92, 434-457.
- Quested, E., & Duda, J. L. (2010). Exploring the Social-Environmental Determinants of Well- and Ill-Being in Dancers: A Test of Basic Needs Theory. *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 32, 39-60.
- Ricard, N. (2011). Effects of Social Exclusion and Inclusion on Basic Needs Satisfaction, Self-Determined Motivation, the Orientations of Interpersonal Relationships, and Chavoual Self-Regulation. Phd dissertation, University of Ottawa.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2008). A self-determination theory approach to psychotherapy: The motivational basis for effective change. *Canadian Psychology/Psychologie Canadienne*, 49(3), 186-193.
- Ryan, R. M., Patrick, H., Deci, E. L., & Williams, G. C. (2008). Facilitating health behaviour change and its maintenance: Interventions based on Self-Determination Theory, *The European Health Psychologist*, 10, 2-5.
- Skinner, E., & Edge, K. (2002). Self-determination, coping, and development. In E. L. Deci & R. M. Ryan (Eds.), *Handbook of self-determination research* (pp. 297-337). Rochester, NY: University of Rochester Press.
- Uzman, E. (2014). Basic psychological needs and psychological health in teacher candidates. *Procedia - social and behavioral sciences*, 116, 3629-3635.
- van Scott, S., Spender, Q., Doolan, M., Jacobs, B., & Aspland, H. (2001). Multicentre controlled trial of parenting groups for childhood antisocial behaviour in clinical practice. *British Medical Journal*, 323, 1-6.
- Wachtel, K. (2015). An exploration of the relationship between perceptions of parenting behaviors and substance abuse in transition-aged youth through an Adlerian lens. The University of North Carolina at Greensboro. published doctoral dissertation.
- Welker, K., m., Oberleitner, D., E., Cain, S., Carre, J., M. (2013). Upright and left out: Posture moderates the effects of social exclusion on mood and threats to basic needs . *European Journal of Social Psychology*, 43, 355-361.